

آخرین خبرها از کرونا

احتمال رفع محدودیت‌های کرونایی از اول آبان

● شرق: معاون بهداشت وزارت بهداشت تدابیر اتخاذشده بمنظور رفع هوشمند محدودیت‌های کرونایی و سیاست‌ها جهت بازگشت به زندگی عادی را تشریح کرد. دکتر کمال حیدری در نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره واکسناسیون کرونا و نحوه بازگشایی‌ها گفت: امیدواریم واکسنیاسون به بالای ۸۵ درصد برسد و این موضوع بر اساس فرمول RO یا بر اساس بیماری‌زایی آن سون از ویروس و نوع ویروس جامعه بررسی می‌شود و باید میزان ایمنی بدن و جامعه را بالا ببریم. او افزود: بحث واکسنیاسیون چه ۷۰ درصد، چه صد درصد به این برمی‌گردد که ایمنی پایه برای فرد فراهم شود. زمانی ممکن است بدن با ویروس روبه‌رو شود و آن را نشناسد و واکنش‌های حساسی نشان دهد و از طرفی اگر بدن با ویروس ضعیف‌شده روبه‌رو شود، می‌تواند سیستم ایمنی پایه را تقویت کند که اگر با ویروس واقعی روبه‌رو شد کمترین واقعه برای بدن رخ دهد. بنابراین اصل موضوع واکسنیاسیون به‌دلیل افزایش ایمنی‌زایی است. او افزود: الان تقریباً تمام اطلاعات جامع افرادی را که واکسن زدند و نزدند، داریم و اختلاف فاحشی میان تعداد مبتلایان واکسن‌زده و نزده وجود دارد. او ادامه داد: درباره بازگشایی‌ها هم سیاست دولت و انتظار مردم این است که پس از این مدت که خسته شدند، به زندگی عادی بازگردند و مسائل اجتماعی، اقتصادی ... و.. ادامه یابد و تمرکز دولت هم بر بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها و سپس جریانات اجتماعی و اقتصادی است. حیدری اظهار کرد: برنامه‌ریزی همکاریار در ستاد کشوری کنترل کرونا رفع هوشمند محدودیت‌هاست و اینکه برنامه‌های افراد در گروه مشاغل چهارگانه به چه صورت باشد، حساسیت‌های متفاوتی دارد و موارد آن تعیین و تدوین شده است که هفته آینده جهت تصویب و ابلاغ به ستاد کرونا می‌رود. با توجه به ماهیت کرونا، تجمعات، مسافرت‌ها و... عاملی برای شیوع بیشتر ویروس است و پیش‌بینی ما این است که شاید در ماه آینده ییکی تجربه کنیم اما خیلی از مسائل مانند پوشش واکسنیاسیون، رعایت پروتکل‌ها و... تاثیرگذار است که پیشگویی‌های ما را تحت تأثیر قرار دهد. پیش‌بینی کردیم با صلاححدید ستاد کرونا از اول آبان بتوانیم محدودیت‌ها را رفع کنیم و از ه‌شتم آبان هم با قضیه جدی‌تر برخورد و نظارت کنیم تا محدودیت‌ها منطقی بر داشته شود.

شرایط تهران ناپایدار است

● فرمانده عملیات مدیریت بیماری کرونا در کلان‌شهر تهران با بیان اینکه تنها واکسنیاسیون شرط کافی برای کنترل کرونا نیست، گفت: هنوز بسیاری از افراد دژ دوم واکسن را دریافت نکرده‌اند، بنابراین شرایط همچنان ناپایدار تلقی می‌شود و توصیه ما رعایت صورانه شیوه‌نامه‌های بهداشتی است. علیرضا زالی درباره وضعیت کرونا در استان تهران اظهار کرد: روند اکثر شاخص‌های کرونا رو به نزول است، اما همان‌طور که کرونا بارها در ماه‌های گذشته نشان داده، باید شرایط تمامی استان‌ها ازجمله تهران را ناپایدار و شکننده در نظر گرفت. او با اشاره به فرایند رو به تزاید واکسنیاسیون در تهران و سایر استان‌های کشور افزود: اما همچنان باید بدانیم برای کنترل کرونا واکسنیاسیون شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. فرمانده عملیات مدیریت بیماری کرونا در کلان‌شهر تهران شرط کافی برای کنترل کرونا در واکسنیاسیون را رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی دانست. دکتر زالی افزود: فرد واکسینه‌شده حتما باید دو دژ واکسن را دریافت کرده باشد، اما هنوز بسیاری از افراد دژ دوم را دریافت نکرده‌اند، بنابراین شرایط همچنان ناپایدار تلقی می‌شود و توصیه ما رعایت صورانه شیوه‌نامه‌های بهداشتی است.او ادامه داد: در دو هفته ما ربیع‌الاول سال گذشته بعد از برگزاری مراسم خانوادگی و جشن‌ها در این ماه، ما به سمت خیز سوم رفتیم و آمارها ۱۵ درصد افزایش در بستری بیمارستانی نسبت به ماه گذشته، ۱۲ درصد رشد در میزان مراجعین و ۱۸ درصد افزایش مرگ‌ومیرها را نشان داد. او مهم‌ترین نقطه آسیب‌پذیری در این روزها را عدم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، ساده‌انگاری و عادی‌انگاری دانست که در تحقق مصونیت‌های جمعی می‌تواند مشکل ایجاد کند. او با بیان اینکه هم‌اکنون در تهران پنج هزار بیمار کرونایی در بیمارستان‌ها بستری هستند، گفت: از این تعداد حدود هزارو ۴۰۰ نفر نیز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند.

۲۲۲ فوتی کرونادر کشور

بنا بر اعلام روابطعمومی وزارت بهداشت، در ۲۴ ساعت گذشته ۱۱هزارو ۲۵۶ بیمار جدید کووید۱۹ شناسایی شدند و متناقصا ۲۲۲ بیمار نیز به‌دلیل این بیماری جان خود را از دست دادند. از ۱۷ تا ۱۸ مهرماه ۱۴۰۰ بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۲۵۶ هزارو ۲۵۶ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که هزارو ۷۳۳ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به پنج‌میلیون و ۷۰۲هزارو ۸۹۰ نفر و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۲۲هزارو ۵۹۲ نفر رسید. هزارو ۳۰۴ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. تاکنون ۳۳میلیون و ۲۴۶هزارو ۴۴۷ آزمایش تشخیصی کووید۱۹ در کشور انجام شده است. در حال حاضر هفت شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۰۸ شهر در وضعیت نارنجی، ۲۴۸ شهر در وضعیت زرد و ۸۵ شهر در وضعیت آبی قرار دارند.

رضا عطایی: مکان‌ها و محل‌ها معمولا بر حسب

یکی، دو ویژگی خاصی که ممکن است داشته باشند، در یاده‌ها می‌مانند و ماندگار می‌شوند. کسی که روستای ماسوله را دیده، خاطره‌ای از زیبایی زیست بشر در دل جنگل را به خاطر سپرده و کسی که سواحل زیبای بوشهر را دیده، عمق دریا را در ذهنش نگه داشته است. این بار اما بشنویم از «عسکرآباد» و کسانی که گذرشان به اجبار به این روستا در شهرستان ورامین افتاده است. «عسکرآباد» محلی نام‌آشنا و خاطره‌انگیز برای مردم ایران نیست؛ آنجا نه یک جاذبه گردشگری-توریستی است و نه جز مکان‌هایی که نماد فرهنگی- تمدنی یا اقتصادی- سیاسی به شمار یابید. برای بسیاری از مهاجران افغان اما این‌گونه نیست؛ «عسکرآباد» برای آنها یادآور شب و غربت است. یادآور دردها، تحقیرها و اضطراب‌هایی است که بر فراموشی آنان، نه به‌عنوان یک مهاجر، بلکه به‌عنوان یک انسان شهادت می‌دهد.

کشور افغانستان هم‌زمان با پیروزی انقلاب در ایران، مورد حمله و اشغال اتحاد جماهیر شوروی قرار می‌گیرد و این امر باعث می‌شود میلیون‌ها افغان به ایران مهاجرت کنند. در این سال‌ها اگرچه در برهه‌هایی شماری از مهاجران به کشورشان بازگشتند اما شرایط نامناسب افغانستان (جنگ‌های داخلی، طالبان و تامنی) سبب شده است بسیاری از آنها در ایران به‌صورت طولانی بمانند؛ به نحوی که امروز شاهد حضور نسل سوم مهاجران افغان هستیم که اینجا متولد می‌شوند، به مدرسه می‌روند و با فرهنگ جامعه ایرانی بزرگ می‌شوند و همین‌جا اشتغال دارند. ازدواج می‌کنند و... و شاید برای بسیاری‌شان ایران نه نقش «خانه دوم»، بلکه خانه حکم اول و آخرشان را پیدا کرده باشد؛ اما روی دیگر این داستان از این قرار است که «مهاجر افغان» در ایران و برای جامعه ایرانی همواره یک «دیگری» بوده و با وجود تمام پیوندهای مشترک، هیچ‌گاه «خودی» نبوده و نشده است. گاهی اخباری از این‌قبیل به گوش می‌رسد که حساب‌های بانکی مهاجران افغان مسدود و بسته شد، شرکت‌های اپراتورهای تلفن همراه دیگر سیم‌کارت به نام مهاجران افغان نمی‌زندند، استان‌هایی که برای مهاجران «استان ممنوعه» هستند یا محدودیت‌هایی مانند داشتن گواهینامه رانندگی و فهرست مشاغل مجاز مهاجران و... اینها همه فقط مشد نمونه خرواری است که حقایق از این واقعیت‌ها در پندار بلند مهاجران افغان در ایران فقط حاوی صفحات سفید و نورانی همدلی و هم‌زبانی نبوده و صفحات تیره و تاری هم در این میان وجود دارد که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است.

قصه «عسکرآباد» هم جز، خاطرات و صفحات تلخ در استان بلند است. در اینجا بهتر است اندکی از تاریخچه اردوگاه بگوییم و بعد از اتفاقاتی که در این اردوگاه می‌افتد. همان‌طور که می‌دانید اردوگاه عسکرآباد در شهر ورامین جای دارد و برای نگهداری از مهاجران افغان در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اردوگاه در سال ۱۳۸۳ ساخته شد و مهاجران افغان را که غیرقانونی از افغانستان به ایران آمده‌اند یا کسانی را که کارت دارند ولی همراه‌شان نباشد به آن اردوگاه می‌برند و بازرسی می‌کنند. اگر مشخص شود که مهاجر غیرقانونی به کشور وارد شده است، پس از انتقال به مرز دوغان‌رو، از ایران به افغانستان بازگردانده می‌شود. مهاجران غیرمجاز از بدو ورود به ایران احکام دستگیری و بازداشتشان وجود دارد و تمام مدت ماندشان در ایران از یک روز تا چند سال به بخت و اقبال خودشان بستگی دارد که چه هنگام دستگیر شوند. از همین روی معمولا در حاشیه شهرها

جامعه

روایتی از رد مرز افغانستانی‌ها

«افغانی بگیر»‌ها در عسکرآباد



عسکرگیز، سرخه و سفیدسنگ...

شاید روایت یکی از مهاجران افغان از تجربه شبی در عسکرآباد جزئیات آن را برای خوانندگان ملموس‌تر فراهم باشد، آن را اجرا می‌کنند و در بسیاری موارد هم هنگام دستگیری می‌توانند از دست مأمور خلاص شوند.

تجربه دستگیری مهاجران قانونی هم برای تعداد بسیار زیادی از مهاجران رخ می‌دهد؛ فقط از باب مشمت نمونه خروار برایتان بگویم که از اعضای خانواده نگارنده که چند دهه است حضوری کاملا قانونی در ایران داشته‌اند، پدر و سه نفر از برادرانم چنین تجربه تلخی را دارند و خاطره آن را همواره بر دوش می‌کشند و بر وجودشان سنگینی می‌کند. از همین روی بین مهاجران افغان چه آنها که مهاجر قانونی‌اند و چه آنها که غیرمجاز هستند، اصطلاحی بسیار مرسوم است تحت عنوان «افغانی بگیر» که به گشت‌های نیروی انتظامی می‌گویند. حتی «آقا عبدالله» شاطر نانواپی بربری یکی از محلات ورامین هم تجربه «افغانی بگیر» را دارد؛ آقا عبدالله موقعی که توسط پلیس دستگیری می‌شود، کارت ملی و شناسنامه همراهش نبوده و هرچه با لهجه شیرین ترکی می‌گوید: «والله من افغانی نیستم»، افاقه نمی‌کند و دستگیر می‌شود. بعد از این ماجرا هر وقت نانواپی می‌رقتم به شوخی می‌گفتم: آقا عبدالله از طعم «افغانی بودن» برابیم بگو!

در مقاطع و برهه‌هایی که گشت‌های نیروی انتظامی «طرح جمع‌آوری اتباع خارجی غیرمجاز» یا به تعبیر مهاجران «طرح افغانی بگیر» را با شدت و حدت بیشتری اجرا می‌کنند، ترکیب و اصطلاح «افغانی بگیر» و «بگیربگیر» بیشتر میان مهاجران استفاده می‌شود. در چنین مواقعی هرکس به هر نحوی تلاش می‌کند بقدر ممکن مهاجران، به‌ویژه مهاجران فاقد مدرک شناسایی را از این موضوع آگاه کند. این امر در سال‌های اخیر با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی در امر اطلاع‌رسانی رواج بیشتری یافته است. پیش از عید نوروزی که گذشت در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، بسیاری از مهاجران به‌وفور پیام‌هایی که نقش اطلاع‌رسانی درباره «افغانی بگیر» و «بگیربگیر» را داشت انعکاس می‌دادند: «قابل توجه وطن‌داران مهاجر! امروز در فلان نقاط شهر «افغانی بگیر» و «بگیربگیر» بوده، بدون مدرک از منزل خارج نشوید و به مهاجران بی‌مدرک اطلاع دهید که امروز در حوالی مذکور تردد نکنند». عبارت «بگیربگیر» برای مهاجران افغانستانی در ایران بسیار آشنا و درعین‌حال غریب است. وقتی یک مهاجر عبارت «بگیربگیر» به کوشش می‌خورد، معنایی به ذهنش متبادر می‌شود که از زمین تا آسمان با چیزی که یک شنونده ایرانی از این عبارت می‌فهمد و درک می‌کند تفاوت دارد. برای او، «بگیربگیر» یعنی یک زنگ خطر همیشگی. «بگیربگیر» یعنی توقف. «بگیربگیر» یعنی چند وقت بیگاری در پاسگاه و اردوگاه. «بگیربگیر». یعنی «تویی که سرزمینت اینجا نیست» یعنی عسکرآباد و صدا زد: «سوار شو!» کارگر بغض‌آلود و گریان گفت:

«من کارت تردد دارم، چرا کتکم می‌زنید؟».

به اردوگاه رسیدیم. دم در اردوگاه ده‌ها نفر از زن و بچه گرفته تا پیرزن و پیرمرد، افغانستانی و ایرانی تجمع کرده بودند و هرکدامشان چیزی می‌گفت. یکی گریه می‌کرد، یکی به جایی زنگ می‌زد، یکی قصد داشت به داخل برود، از صورت هرکدامشان اضطراب، نگرانی و غصه می‌پایید. ما را بردند داخل و پشت یک در نشاندند. چند ساعتی همان‌جا نشست/ایستاده بودیم که چند سرباز آمدند و شروع کردند به بازرسی ما که بعد به داخل بیرندمان. نزدیک غروب بود که به داخل کمپ رفتیم. از همه‌جا بوی خیلی بدی می‌آمد. وضعیت بهداشتی بسیار نامناسب بود. همه‌جا کثیف و بی‌نظم بود. ما را به اتاقی بردند که بسیار دراز بود و عرض کمی داشت. ۲۰، ۳۰ نفری از قبل توی این اتاق بودند که ما را هم روی سر آنها چپاندند که جمعا حدود ۴۰ یا ۵۰ نفری می‌شدیم. سرم درد می‌کرد و گیج می‌رفت. حالت تهوع داشتم. جا هم نبود که درست‌حسابی دراز بکشم. گوشه‌ای نشستم و زانویم را به بغلم گرفتم و شروع کردم به گریه‌کردن. از این سرنوشتی که دچار آن شده بودیم، از وطنی که پر از جنگ بود و از تحقیری که کمرم را له می‌کرد، خسته بودم و خوابم برد. بیدار که شدم، هوا تاریک شده بود. دو سه ساعتی خوابیده بودم. پایهام خشک شده بود. گیج و منگ بودم. به هم‌وطنان دیگرم و به دیوارها نگاه می‌کردم. جا به جای آنها یادگاری‌هایی نوشته شده بود. یادگاری از بسم‌الله سال ۹۴؛ به یاد دلخوشی‌هایی که مرده‌اند؛ اینجا پایان دنیاست؛ سوخته است دل و جانم؛ و جایی دیگر که رضانامی نوشته بود:

بیا که برویم از این ولایت من و تو

تو دست من بگیر و من دامن تو...

هر کسی چیزی می‌گفت. یکی که گویا کارت تردد نداشت از برادر کوچک‌ترش می‌گفت که حالا در این شهر غریب تنها می‌شود. یکی از پول‌هایی که هنوز از دست صاحبکارهایش نگرفته است و اگر رد مرز شود احتمال دارد تمام زحمت‌هایش در این چندسالی که اینجااست تباه شود و یکی که با دل تنگ و چشم گریان احمد ظاهر می‌خواند: «زیانکارم به من نگاه کن، طاقت ندارم به هجر تو...» شب سردی بود. پتویی برایمان نیاورده بودند. تنها چیزی که گرمان می‌کرد شلوعی اتاق و زانوهایی بود که به بغل گرفته بودیم. من تب‌آلود و خسته به جنگ فکر می‌کردم. به بخت مظلوم افغانستان. به خانواده فکر می‌کردم و انتظار چیزی که نمی‌دانستم چیست. آن شب دیگر نتوانستم بخوابم. صبح شد. دست‌ها و پایهام خشک شده بود. خودم را به سمت دریچه اتاق کشاندم و بلند شدم. محکم به در کوبیدم و گفتم در را باز کنید! بعد از چند لحظه سربازی آمد و داد کشید چه خبرته؟ گفتم: من کارت تردد دارم بگذارید زنگ بزنم تا کارت را بیاورند. بالاخره حدود ساعت ۱۰ اجازه دادند که تماس بگیرم. تا نزدیک عصر طول کشید. برادرم خودش را از آنجا برساند. آن روز از عسکرآباد آزاد شدم اما خاطره آن مکان تا ابد رهایم نخواهد کرد.»

می‌کند: آسیب‌های اجتماعی باید با کمک و مشارکت مردم رفع شود؛ بنابراین مطلقا برنامه مدیریت شهری می‌گوید: ماهیت ایجاد قرارگاه به معنای جمع‌شدن ناجا و سایر نهادها چهره شهر را تغییر دهد. حسین برای یک اقدام مشترک است و این اقدام لزوما سخنافزاری نیست؛ بنابراین می‌توان ایجاد قرارگاه را برای کارهای نرم‌افزاری تعریف کرد. وی با تاکید بر اینکه آسیب‌های اجتماعی یک موضوع مجری و رفع چالش‌های این حوزه از مطالبات مردمی و دغدغه حاکمیتی است، اضافه

ضربتی و جمع‌آوری در دستور کار قرار گیرد با خیر؟ مهدی عباسی، عضو شورای شهر تهران، در این رابطه می‌گوید: ماهیت ایجاد قرارگاه به معنای جمع‌شدن ناجا و سایر نهادها چهره شهر را تغییر دهد. حسین اشتی، فرمانده نیروی انتظامی کشور هم در این دیدار اعلام کرد نیروی انتظامی برای هرگونه همکاری میان دستگاه‌های انتظامی و دانشگاه‌های علوم پزشکی قرارگاه اجتماعی که می‌گویم خاص معتادان متجاهر نیست، جمع مسئولان مرتبط با حوزه اجتماعی است. به گفته شهردار تهران استانداری، فرمانداری،

بهزیستی، دستگاه‌های انتظامی و مجموعه‌های مختلف نیازمند این هستند که دور هم جمع شوند

و درخصوص ساخت اجتماعی و سالم‌سازی ساخت اجتماعی همکاری کنند. یعنی اکنون قانون ظرفیت‌ها را تقسیم کرده و هرکسی یک ظرفیت و بخشی دارد و هیچ‌کس ناظر به اینکه پاسخ‌گو باشد نسبت به رفع یک معضل و پیشگیری از یک معضل، کمتر اهتمام می‌یبت. تاکید بر حل چالش‌های اجتماعی به صورت فوری و ایجاد قرارگاه این نگرانی را ایجاد می‌کند که آیا برای حل چالش‌های اجتماعی قرار است برنامه‌های

گفته بود مسئله معتادان متجاهر و کودکان کار پنج‌گانه‌ای که علیرضا زاکانی، شهردار تهران ایجاد می‌کند، قرارگاه اجتماعی باشد. او در هفته پایانی شهریور اعلام کرده بسود یک هفته دیگر قرارگاه اجتماعی در تهران ایجاد می‌شود و درخصوص آن اطلاع‌رسانی می‌کند. شهردار تهران از شورای شهر تهران رای گرفت به درخصوص ایجاد قرارگاه اجتماعی گفته بود: اگر شهرداری تهران قرارگاه اجتماعی را ایجاد کند و همه دستگاه‌ها را پای کار بیاورد، می‌تواند مشکلات مربوط به معتادان متجاهر، تكدی‌گری و کودكان كار را برطرف كند. به گفته شهردار تهران، وزارت کشور، استانداری، بهزیستی، دستگاه‌های انتظامی و دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌توانند با ایجاد قرارگاه اجتماعی در سالم‌سازی ساخت اجتماعی با هم همکاری کنند. ۲۱ هزار متعاد متجاهر در تهران وجود دارد که با مجوز دستگاه قضائی باید جمع‌آوری و بعد از آن سمس‌زدایی و ماهر شوند و دوباره به اجتماع برگشته و اشتغال و پذیرش اجتماعی پیدا کنند. با شکل‌گیری قرارگاه اجتماعی مراحل و روند رفع این معضل انجام خواهد شد و حاصل آن زوددن چهره زشت فعلی از شهر است. زاکانی همچنین در دیدار با فرمانده نیروی انتظامی کشور برر ایجاد قرارگاه اجتماعی تاکید و در این خصوص به دو حوزه کودکان کار و معتادان متجاهر اشاره کرده که شهرداری باید سهم خود را بپذیرد و اقدامات لازم را انجام دهد. زاکانی در دیدار با اشتی

گذر

اعتراض به جلسات هم‌اندیشی

● شرق: خبری از جلسات علنی شورای شهر تهران نیست؛ نه علنی و نه حتی غیرعلنی بدون حضور خبرنگار که رسم قدیمی مهدی چمران در شورای دوم، سوم و چهارم بود. شورای ششمی‌ها در هفته‌های نخست پس از جلسات گزارش‌دهی، به این تصمیم رسیدند که تنها جلسات هم‌اندیشی با حضور شهردار تهران را برگزار کنند تا خروجی کمیسیون‌ها مشخص شود؛ موضوعی که صدای برخی از اعضای شورای شهر تهران را هم بلند کرده است. ناصر امانی در اعتراض به برگزار نشدن جلسات علنی وادامه‌آوردن جلسات هم‌اندیشی در توبیتی نوشت: فلسفه نظارت شورا حسابرسی و حساب‌کنشی از شهرداری تهران است. باید به مردم در باب نظارت گزارش عملکرد دهیم. بنا نیست تصمیم‌های اساسی مانند دوره قبل در جلسات هم‌اندیشی اتخاذ شود و در صحن علنی نمایش وادای دموکراسی و شفافیت در نظر و مقابل رسانه‌ها به اجرا گذاشته شود. ناصر امانی گفت: در جلسه هم‌اندیشی برخی از اعضا نیز به ادامه‌آوردن این روند معترض شدند. مهدی چمران، رئیس شورا هم اعلام کرد این جلسات موقت است و برای آن است که تیم جدید شهرداری تازه مستقر شده و برای هماهنگی یکی، دو جلسه‌ای با شهردار و معاونانش صحبت کند و پس از آنکه دستور جلسات غنی شود، دوباره صحن از سر گرفته می‌شود. وی ادامه داد ما قصد نداشتیم در جلسات روز یکشنبه بدون آنکه دستور جلسه قابل‌قبولی داشته باشیم، وقت‌کشی کنیم و وقت خودمان و رسانه‌ها را بگیریم. خوشبختانه امروز کمیسیون‌ها اعلام کردند طرح‌ها و لویجی برای ارائه در صحن دارند و از رزرو سه‌شنبه جلسات به روال عادی بازمی‌گردد. او در پاسخ به این پرسش که از توبیتی اعلام کردیم در جلسه هم‌اندیشی از انتصاب مدیران از بدنه شهرداری تشکر کرده و درعین‌حال خواسته بودید مدیران کل و سازمان‌ها نیز از بدنه انتخاب شوند، زیرا هرگونه انتصاب در این سطوح از بیرون شهرداری سبب ایجاد سازمانی غریبی و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. آیا شهردار قولی در این رابطه داد یا خیر، گفت: در هم‌اندیشی امروز درباره انتخاب شهرداران مناطق از بدنه و مدیران کل سازمان‌ها و شرکت‌ها مسائل را مطرح کردند که انتخاب مدیران بعد از معاونان از بدنه به نفع خود شهرداری است و ایشان هم گوش دادند. ان‌شالله که عمل کنند. وظیفه ما تذکر است. او در پاسخ به پرسش دیگری درباره چالش‌های درآمدی شهرداری نیز توضیح داد: شهردار اعلام کرد پنج کمیته در این رابطه تشکیل شده: ازجمله کمیته‌ای متشکل از معاون اقتصادی، معاون برنامه و بودجه و شخص شهردار که خود شهردار آن را مدیریت می‌کند. کمیته دیگر خاص تعهدات سازمان‌ها و ارگان‌ها به شهرداری و بالعکس است. کمیته‌ای برای شفاف‌سازی تعهدات سازمان‌ها و نهادهای مختلف و کمیته‌ای نیز برای پیگیری مدت‌هاست محل اختلاف شدند که به نظر می‌آید با تشکیل این کمیته‌ها شفاف‌سازی مطالبات شهرداری در بحث درآمدی توفیقاتی حاصل شود. او در پاسخ به این پرسش که گفته بودید تا پایان مهرماه تکلیف انتصابات در شهرداری روشن می‌شود نیز گفت: در جلسه امروز شهردار تهران اعلام کرد صد نفر در کانون انتصابات ارزیابی شدند که ۲۷ نفر به مرحله قطعی رسیدند اما احکامشان در مرحله صدور است.

ادامه از صفحه اول

تغییرات اقلیمی و بینش حکمرانی

این سیاق بهره‌برداری بی‌ضابطه و غیرعلمی از منابع مانند آب و خاک عایدی جز خزان مرگ‌بار تور زیستی و محاق اکوسیستم‌ها ندارد. ۷- فشار ما بر اکوسیستم مالايطاق شده است. باور کنیم باید با عیای علم و احتیاط حرکت کنیم و در خدمت محیط زیست و برای بقای این بیش از همیشه همت گماریم. اگر مقدس فکر می‌کنیم و دینی هستیم، کاری نکنیم که چیزی از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده نماند. هچدر کشور ما در حوزه سیاست‌گذاری به محیط زیست اولویت می‌دهد؟ ایران باید سرآمد همگان در این عرصه باشد؛ چون هم بینش الهی دارد و هم در شرایط فوق‌العاده حساسی از حیث اقلیمی قرار دارد و یک غفلت برای همیشه برگشت‌ناپذیر است.

”آگهی مفقود شدن پروانه اشتغال به کار مهندسی“
پروانه اشتغال انتجانب **ناور افشاری به شماره ۰۱۰۶۰۰۰۰۰۹۱۰**
پایه یک مهندسی **نقشه برداری**
صادره از اداره کل راه و شهر سازی **استان تهران**
مفقود گردیده، از یابنده تقاضا می شود **پروانه را به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران** کد پستی **۱۱۱۶۵۷۶۳۱۱** ارسال نماید.

پروانه طبابت به شماره ۰۲۲۲-۴۲۲۷۰-۸
مورخه: ۱ شهریور ۱۴۰۰
به نام دکتر جعفر رستمیان دارای مدرک دکترای حرفه ای دندانیپزشکی متخصص پروتز های دندانی با شماره نظام پزشکی ۴۲۲۷۰
در شهر تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

کارت خودرو آدینه بهادریان با کد ملی ۰۹۸۸۸۴۲۴
خودرو ۲۰۶ مدل ۹۵ سفید رنگ شماره پلاک: ۳۸ ایران ۳۵۳ن ۲۱
شماره شناسی: ۰۳EE۰۶GJ۸۳۷۷۱۸
در تاریخ ۱۵/۰۶/۱۳۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودرو آدینه بهادریان با کد ملی ۰۹۸۸۸۴۲۴
خودرو ۲۰۶ مدل ۹۵ سفید رنگ شماره پلاک: ۳۸ ایران ۳۵۳ن ۲۱
شماره شناسی: ۰۳EE۰۶GJ۸۳۷۷۱۸
در تاریخ ۱۵/۰۶/۱۳۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.